

خاطرات کارل بروکلمان

تأليف

کارل بروکلمان

ویرایش

رودولف زلهایم

ترجمة

مهران ارزنده





سرشناسه: بروکلمان، کارل، ۱۸۶۸ - ۱۹۵۶ م

Brockelmann, Carl

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات کارل بروکلمان / تالیف کارل بروکلمان؛ ویرایش رودولف زلهایم؛ ترجمه مهران ارزنده.

مشخصات نشر: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۶۲ ص.

شابک: ۲۵۰۰۰۰ ریال: 978-600-220-289-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه چندین مقاله است.

یادداشت: نمایه.

موضوع: بروکلمان، کارل، ۱۸۶۸ - ۱۹۵۶ م. -- خاطرات

Brockelmann, Carl - Diaries: موضوع

موضوع: خاورشناسان -- آلمان -- قرن ۱۹ م. -- خاطرات

Middle East specialists -- Germany -- 19th century -- Diaries: موضوع

موضوع: خاورشناسی -- آلمان -- تاریخ -- قرن ۱۹ م

Oriental studies -- Germany -- History -- 19th century*: موضوع

Universities and colleges -- Germany -- History -- 19th century: موضوع

شناسه افزوده: زلهایم، رودلف، ویراستار

Sellheim, Rudolf: شناسه افزوده

شناسه افزوده: ارزنده، مهران، ۱۳۰۰ -، مترجم

شناسه افزوده: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ خ ۲ عب/۷۷ DS۶۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۷/۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۷۵۰۳۷

خاطرات کارل بروکلمان

تألیف

کارل بروکلمان

ویرایش

رودولف زلهایم

ترجمه

مهران ارزنده

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۷



خاطرات کارل بروکلمان

تألیف: کارل بروکلمان

ویرایش: رودولف زلهایم

ترجمه: مهران ارزنده

نظارت و تولید : مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

حروفچینی : فاطمه هدایتی گودرزی

صفحه آرایی : فاطمه بوجار

شماره انتشار : ۴۴۸

ناظر فنی : نیکی ایوبی زاده

چاپ اول : ۱۳۹۷

شمارگان : ۵۰۰

بها : ۲۵۰۰۰۰ ریال

شابک : 978-600-220-289-5

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه،

موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

انتشارات و توزیع:

تهران، میدان بهارستان؛ ابتدای خیابان آجانلو؛ ساختمان پلیس ۱۰+

طبقه سوم؛ تلفن: ۸ - ۳۳۵۴۸۱۴۶

نشانی سایت اینترنتی: www.lcal.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@yahoo.com

به نام صورت آرای معانی

شرق شناسی از نگاه برخی مستشرقان، شناخت و تحلیل مشرق زمین از نگاه غرب - به ویژه در قرن نوزده میلادی - است.

این تحلیل، چنانکه در فرهنگ لاروس آمده، تاریخ، زبان‌ها، ادبیات، هنر، علوم، آداب و رسوم مردم شرق و شرق دور را در برمی گیرد.

شرق شناسی، تاریخچه‌ای بلند و مفصل دارد که با وجود جستارها و گفتارهای متعدد، هنوز، چنانکه باید و شاید، بدان پرداخته نشده است، به ویژه در کشور ما که تحقیقات در این باره، بسیار کم، و بیشتر در قالب ترجمه، عرضه شده است.

ترجمه و انتشار خاطرات مستشرقان، یکی از مواد تحقیق در واکاوی مبحث شرق شناسی است که از لایه لای آن، اطلاعات ارزشمندی راجع به تاریخ، اهداف و سیر شرق شناسی، شرح حال شرق شناسان و ... می توان یافت.

بروکلمان (۱۸۶۸-۱۸۵۶ م) یکی از شرق شناسان معروف، و آثار او از شهرت جهانی برخوردار است. چندی از آثار او به فارسی ترجمه شده است و بایسته می نماید دیگر آثارش که حاوی اطلاعاتی درباره ایران است، به فارسی ترجمه شود.

خاطرات بروکلمان، هرچند روایتگر شرح حال او و خانواده اوست، اما در ضمن آن، اطلاعات ارزشمندی را درباره مسائل شرق شناسی، اوضاع مراکز علمی و دانشگاهی در آلمان آن روزگار و ... می توان یافت.

از دانشور گرامی، جناب آقای نادر مطلبی کاشانی که در روند ترجمه این اثر، مؤثر بودند، سپاسگزاریم.

سید علی عماد

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

فهرست مطالب

■ کارل بروکلمان	۹
■ پیشگفتار ویراستار	۳۵
■ متن خاطرات	۳۹
۱. نیاکان و خویشاوندان خانواده	۳۹
۲. خانواده‌های بروکلمان در روستوک و اشتتین	۴۳
۳. جوانی من در روستوک (۱۸۶۸-۱۸۸۶)	۶۴
۴. سال‌های دانشجویی در روستوک، برسلاو و استراسبورگ (۱۸۸۶-۱۸۹۰)	۷۶
۵. خدمت آزمایشی و کمک معلمی در استراسبورگ (۱۸۹۰-۱۸۹۲)	۸۵
۶. دورهٔ استادیاری در برسلاو (۱۸۹۳-۱۹۰۰)، سمینار در برلین	۸۸
۷. دانشیاری در برسلاو (۱۹۰۰-۱۹۰۳)	۱۱۰
۸. استادی در کونیگسبرگ (۱۹۰۳-۱۹۱۰)	۱۱۳
۹. در هاله / زاله (۱۹۱۰-۱۹۲۲)	۱۲۴
۱۰. در برلین (۱۹۲۲-۱۹۲۳)	۱۴۰
۱۱. در برسلاو (۱۹۲۳-۱۹۳۷)	۱۴۳
۱۲. در هاله / زاله (۱۹۳۷-۱۹۴۷)	۱۴۹
■ پی‌گفتار ویراستار	۱۵۳

کارل بروکلمان خاورشناس (۱۸۶۸ - ۱۹۵۶)

بروکلمان عادت نداشت که از خود و کارهایش تعریف کند، و هنگامی که دانشگاه هاله در ۱۹۴۸ به مناسبت هشتادمین سالروز تولدش به وی شادباش گفت و بدین وسیله از خدمات او در خاورشناسی قدردانی کرد، وی در پاسخ یادآور شد که سرنوشت همه کارهای عالمانه این است که روزی بر اثر پیشرفت شناخت علمی، کهنه و منسوخ گردد، و مقصود او این بود که معمولاً پنجاه سال پس از مرگ یک پژوهشگر همه آنچه در کارهای وی سودمند بوده دیگر بخشی از دانش مشترک پژوهشگران شده است، حال آنکه خطاهای وی به دست فراموشی سپرده می شود. بیان چنین نگرشی از زبان مردی که افتخارات و نشان های علمی بسیاری نصیبش شده بود بی گمان غریب می نمود - چه او عضو افتخاری انجمن خاورشناسی آلمان،^۱ انجمن پادشاهی آسیایی،^۲ انجمن آسیایی،^۳

^۱ . Deutsche Morgenländische Gesellschaft

^۲ . Royal Asiatic Society

^۳ . Société Asiatique

انجمن خاورشناسی آمریکا،^۱ انجمن زبان‌شناسی آمریکا،^۲ عضو پیوسته فرهنگستان علوم ساکسون،^۳ عضو مکاتبه‌ای مجموعه‌ای از فرهنگستان‌ها و انجمن‌های علمی بود و در ۱۹۵۱ به دریافت نشان ملی درجه ۱ مفتخر شد. - و درواقع مشخص‌کننده عینیت ساده و فارغ از هرگونه توهمی بود که بروکلمان از طریق آن به دستاوردهای خود و بیگانگان می‌نگریست. بدین سبب، برای درک میزان تأثیر و قابلیت او ناگزیر پیوسته باید به ارتباطی درونی توجه داشت که کوشش فردی او را با هر یک از مراحل پژوهش پیوند می‌زد، و این به‌ویژه از آن‌روست که وی تقریباً سه نسل را دیده و از سال‌های دهه هشتاد [سده نوزدهم] شاهد اعتلای چشمگیر خاورشناسی بوده است.

بروکلمان در ۱۷ سپتامبر ۱۸۶۸ در خانواده‌ی بازرگان سرشناسی در روستوک چشم به جهان گشود. او گرایش‌های علمی خود را برخاسته از مادرش می‌دانست. زنی پرشور و زنده‌دل که پسر را با گنجینه‌های ادبیات آلمانی مأنوس ساخت. در دبیرستان چندی نگذشت که استعداد او در زبان آشکار شد و به‌خصوص بصیرت و همدلی نرگر، متخصص زبان و ادبیات آلمانی، مشوق او گردید. نرگر که دستور زبانی تاریخی برای گویش مکلنبورگی تألیف کرده بود، بروکلمان را چنان شیفته زبان آلمانی سفلی کرد که وی همه عمر با دلبستگی عمیق، پیشرفت در این حوزه را دنبال می‌کرد. این عشق به زادگاه با میلی غریب پیوند خورد و

^۱ American Oriental Society

^۲ Linguistic Society of America

^۳ Sächsische Akademie der Wissenschaften

آن شوق سفر به دوردست‌ها بود که با خبرهایی از سفرهای اکتشافی در قاره‌های ناشناخته همواره از نو جان می‌گرفت و در دل جوان، این آرزو را برمی‌انگیخت که خواه در مقام طبیب کشتی و خواه در مقام مترجم یا مبلغ مذهبی در جهان سفر کند. این انگیزه آن شد که وی در درس عبری که نرگر می‌داد شرکت کند، و خود با افتخار نقل می‌کرد که در امتحان نهایی قطعه بی‌نقطه و نشانه‌ای از عاموس را بی‌آنکه قبلاً دیده باشد ترجمه کرده است. با آرامی کتاب مقدس و سریانی هم در مدرسه آشنا شد؛ اما پس از آن، هنگامی که در عید پاک ۱۸۸۶ وارد دانشگاه روستوک شد، تصمیم گرفت که افزون بر خاورشناسی، فقه‌اللغه کلاسیک و تاریخ نیز بخواند. فریدریش ویلهلم مارتین فیلیپی او را با عربی و اتیوپیایی و نیز دستور تطبیقی زبان‌های سامی آشنا کرد. به پیشنهاد فیلیپی، در عید پاک ۱۸۸۷ به برسلاو^۱ نزد فرانتس پرتوریوس رفت که متخصص برجسته زبان‌های حبشی بود. زیگموند فرنکل او را با زبان تلمود آشنا کرد. ترکی را که در آن زمان در آلمان هنوز به‌ندرت آموخته می‌شد، پیش خود فرا گرفت.

به صلاح‌دید فیلیپی و پرتوریوس، در عید پاک ۱۸۸۸ به استراسبورگ نزد تئودور نولدکه رفت. افزون بر آن، نزد هاینریش هوبشمان، متخصص هند و ژرمنی، سانسکریت و ارمنی خواند. مصرشناسی نیز نظر او را

^۱ Breslau یا به لهستانی: وروتسلاف (Wrocław)، در گذشته مرکز سیزلی سفلی بود؛ از

۱۹۴۵ در قلمرو لهستان است، نیز نک: پانویس ص ۳۲ - م.

جلب کرد، و او در درس‌های دومیشین حاضر شد که البته باستان‌شناس بود و به فقه‌اللغه توجه نداشت. بروکلمان بسیار افسوس می‌خورد که در این حوزه استاد باکفایتی نیافته است، زیرا که پیوندهایی که میان زبان‌های سامی و زبان‌های شرق و شمال آفریقا وجود دارد در سراسر عمر ذهن او را مشغول کرده بود. در آموزش‌های کتبه‌خوانی یولیوس اویتینگ نیز شرکت کرد؛ او که بعد مدیر کتابخانه دانشگاه استراسبورگ شد، بهترین متخصص تاریخ خط سامی و خطاطی برجسته بود.

در زمستان ۱۸۸۹، نولدکه تحقیق در رابطه کامل ابن اثیر با/خبر *الرسل والملوک* طبری را موضوع آزمون قرار داد. بروکلمان مسئله را حل کرد و در ۹ آوریل ۱۸۹۰ درجه دکترا گرفت. اندکی بعد امتحان جامع دولتی را گذراند - او در استراسبورگ در درس‌های لئو و کاپیل، متخصصان فقه‌اللغه کلاسیک، میثانیلیس باستان‌شناس، نویمان، پاول شِفر - بویش‌ورست و باوم‌گارتن که مورخ بودند و نیز ویندل‌باند فیلسوف هم حاضر شده بود - و از اوّل اکتبر ابتدا به‌صورت آزمایشی و سپس به‌عنوان کمک معلم در دبیرستان پروتستان در استراسبورگ مشغول به کار شد. در کنار آن، مطالعات عربی خود را ادامه داد و در ۱۸۹۱ به پیشنهاد نولدکه ترجمه آلمانی بخش نخست از دیوان کبید را که آنتون هویر پیش از مرگ زودهنگام خود فراهم ساخته بود، منتشر کرد؛ او این بخش نخست را که به تصحیح خالدی در وین انتشار یافته بود، در زمستان ۱۸۸۸ - ۱۸۸۹ با نولدکه خوانده بود و پس از آن بر پایه کارهای مقدماتی هویر و هاینریش توربکه متن و ترجمه بخش دوم دیوان و

قطعه‌ها را منتشر کرد.

اشتغال او در دبیرستان پروتستان طولانی نبود، و از آنجا که نمی‌خواست به مدرسه‌ای بیرون از استراسبورگ برود، تصمیم گرفت «دل به دریای ناآرام استادیاری بزند» و در پایان ۱۸۹۲ به برسلو رفت و در ۲۸ ژانویه ۱۸۹۳ با تحقیقی تاریخی و ادبی دربارهٔ مختصر السیر ابن جوزی به استادی رسید.

در این فاصله بروکلمان با جدیت مواد نخستین اثر بزرگ خود قاموس سریانی را گرد آورده بود. نوشتن یک واژه‌نامه سریانی در آن زمان کاری بهنگام بود: قاموس سریانی^۱ کاستلوس^۲، چاپ ۱۷۸۸ (که نخست در ۱۶۶۹ به عنوان بخشی از قاموس هفت زبانه او منتشر شد)، از دیرباز نایاب و کاملاً کهنه شده بود؛ و گنج‌واژه سریانی^۳ از پین اسمیت^۴ که از ۱۸۶۸ در حال انتشار بود، حاوی بسیاری چیزهاست که برای بیشتر استفاده‌کنندگان ضرورت ندارد. بروکلمان در مدت کوتاه سه سال که حیرت‌آور است، واژگان پشیتا،^۵ آفرهات^۶ و آفرم^۷ را استخراج کرد و

^۱. Lexicon Syriacum

^۲. Edmundus Castellus (Edmund Castell)

^۳. Thesaurus Syriacus

^۴. Robert Payne Smith

^۵. Peschitta، ترجمه رسمی کتاب مقدس به زبان سریانی از اوایل سده ۵ م - م.

^۶. Afrahāt، یا در شکل متأخر آن: فرهاد، معروف به «حکیم فارسی»، روحانی مسیحی

سریانی زبان ایرانی در سده‌های ۳ و ۴ م، صاحب مواعظ مشهوری به زبان سریانی - م.

^۷. قدیس افرائیم سوری، روحانی و متاّله مسیحی سریانی زبان در سده ۴ م، صاحب آثار

گونگونگی به نظم و نثر سریانی، از جمله شرح‌هایی بر کتاب مقدس - م.

برای تکمیل آن‌ها بسیاری متن‌های دیگر را هم مرور کرد. شواهدی که به هر یک از مدخل‌ها افزوده شده به این اثر ارزش خاصی می‌بخشد، چون که این‌ها همگی بر پایه مجموعه‌هایی مستقل قرار دارد. گرایش‌های او به فقه‌اللغه در اشاره‌های گاه‌به‌گاهش به ریشه‌های واژه‌ها نمود می‌یافت. از این گذشته، او نمایه‌ای لاتینی - سریانی به آن ضمیمه کرد. این همه کوششی بود برای اینکه برتری کتاب از نظر علمی بر لغت‌نامه سریانی - لاتینی^۱ برونس^۲ تضمین شود که جز از نظر هدف و حجم با آن قابل مقایسه بود و در همان زمان در بیروت منتشر شد.

پیش از آن که قاموس سریانی در فوریه ۱۸۹۵ به چاپ برسد، ادوارد زاخائو از بروکلمان درخواست کرد که در تصحیح کتاب بزرگ ابن سعد همکاری کند و برای مطالعه نسخه‌ها به لندن و استانبول سفر کند. بدین‌سان، او در اوت ۱۸۹۵ به لندن رفت و در سپتامبر از آنجا از راه پاریس، مارسی، آتن و از میر به استانبول؛ و در طول زمستان در آنجا ماند. در این سفر، نه تنها مأموریت خود را به انجام رساند، بلکه از عیون/الأخبار ابن قتیبه نیز رونوشتی برگرفت. او در آخر فوریه ۱۸۹۶ از راه زمینی به برسلاو بازگشت.

چاپ ابن سعد را فرهنگستان برلین به عهده گرفت، و جلد هشتم که ویراسته بروکلمان بود، در ۱۹۰۴ منتشر شد. ولیکن طبع عیون/الأخبار را او خود باید به عهده می‌گرفت و ناشری یافت به نام فلیبر در وایمار که

^۱. *Dictionarium Syriaco - Latinum*

^۲. J. Bruns S.J

حاضر بود هزینه‌های چاپ را تقبل کند به شرط آن که بروکلمان هم‌زمان کتاب دیگری به او بدهد که فروش آن دورنمای بهتری داشته باشد تا متنی عربی که فقط مورد علاقه کتابخانه‌ها و متخصصان اندکی است. این انگیزه ظاهری برای تألیف همان اثری بود که آوازه جهانی بروکلمان بر آن استوار است: *تاریخ ادبیات عرب (GAL)*. درباره طرح آن از دیرباز اندیشیده بود. او می‌دانست که در آن سطح از پژوهش کاملاً ناممکن است که سیر تحول درونی ادبیات عرب را شرح داد؛ شمار نسخه‌های چاپی متن‌های موجود در مقایسه با حجم کل نوشته‌های عربی بی‌اندازه ناچیز بود و شمار آن آثاری که واقعاً پژوهیده شده بود بازهم ناچیزتر. افزون بر آن، بیزاری او بود از همه ساخت‌بندی‌های تاریخ اندیشه که در اغلب موارد آنچه در آن‌ها نبود بنیاد زبان‌شناختی استوار بود. بدین‌سان، او تصمیم گرفت که به‌عنوان شرط لازم برای همه پژوهش‌های آینده در ادبیات عرب، آن نوشته‌های اسلامی را که به زبان عربی است و امروز در دست است، به‌استثنای آثاری که مؤلفانشان ناشناخته‌اند و آن‌ها که تاریخشان را نمی‌توان تعیین کرد، تا حد امکان به‌طور کامل برشمارد، دست‌نویس‌ها و چاپ‌ها را ذکر کند و زندگانی و احوال برونی مؤلفان آن‌ها را به‌اختصار بازگوید. در همان ۱۸۹۷، نیمه نخست از جلد نخست بیرون آمد، در ۱۸۹۸ نیمه دوم در پی آمد، و در ۱۹۰۲ کتاب با جلد دوم به پایان رسید.

آنچه بروکلمان را توانا می‌ساخت که دست به چنین کار عظیمی بزند و آن را برحسب طرحی کاملاً سنجیده در حد و مرزی معقول و

دست‌یافتنی به انجام رساند، حافظه فوق‌العاده او بود که همه خواننده‌هایش را - و او بسیار و به سرعت می‌خواند - با امانت بسیار ثبت می‌کرد، سپس علاقه‌ای غریزی به سامان‌دهی که انبوه جزئیات با آن پیوند می‌خورد و به صورت کلیتی پرمعنی درمی‌آمد، و سرانجام ذوق و استعداد او برای آن که اندیشه‌هایش را چنان به آسانی جامه کلام بپوشاند که اغلب در همان پیش‌نویس نخست آماده چاپ بود. بدین‌سان، او می‌توانست در تألیف اثر خود تا حد بسیار به حافظه خویش اعتماد کند؛ اگر او می‌خواست هر یک از جزئیات را بازبینی کند، بی‌گمان نمی‌توانست چنین شتابان کار کند، صرف‌نظر از اینکه اصولاً شمار نسبتاً زیادی از منابعی که او از آن‌ها بهره می‌جست همواره در دسترسش نبود. البته، در این شیوه کار، در کتابی انباشته از نام‌ها، تاریخ‌ها و اعداد و ارقام، وجود خطا و لغزش گریزناپذیر بود و بروکلمان خود از آن آگاهی داشت و از برای هر اصلاحی سپاسگزار بود؛ اما این کاستی‌ها هرچند ممکن بود خواننده را بسیار سردرگم کند، به مضمون اصلی اثر او آسیب جدی وارد نمی‌کرد، زیرا که شرح اجمالی حوزه‌ای که تاکنون به جنگلی بکر و نفوذناپذیر می‌مانست به جزئیات بستگی نداشت و بروکلمان به درستی نظر آن منتقدانی را نادیده گرفت که می‌خواستند این اثر عظیم را با مقیاس دقیقی اندازه‌گیری کنند که در یک تک‌نگاری علمی می‌توان به کار برد. البته، نیم جلد نخست که از دوره‌هایی در ادبیات عرب بحث می‌کرد که به نسبت از همه دوره‌ها شناخته‌تر بود، کمترین مناسبت را برای روشن کردن اندیشه مندرج در کتاب داشت، و حتی منتقدان

نیک‌اندیش نتوانستند بلافاصله آن را به‌درستی ارزیابی کنند؛ اما هنگامی که تاریخ ادبیات عرب به‌طور کامل در دسترس قرار گرفت، در اندک زمان مبدل به ابزار لازم برای هر یک از عرب‌شناسان شد؛ با این حال، این اثر در پی فراز و نشیب‌های بنگاه نشر فلبر در طول چند دهه در بازار عادی کتاب دست‌یافتنی نبود و ۳۵ سال طول کشید تا دست‌کم انتشار ذیل‌هایی بر آن ممکن شد.

در بهار ۱۹۰۰ زاخانو بروکلمان را در مقام مدرس زبان عربی به سمینار زبان‌های شرقی در برلین فراخواند. در اینجا، او باید به‌جای آوگوست فیشر که به لایپزیک دعوت شده بود، عربی مراکشی را تدریس می‌کرد و توانست با ظلالی، مدرسی از اهالی رباط، به مطالعات عملی در گویش‌ها بپردازد؛ اما در تابستان، کرسی دانشیاری در ارلانگن که با مرگ لودویگ آبل تعطیل شده بود، و درست پس از آن، کرسی دانشیاری در برسلاو نیز (که با رفتن تسیمرن به لایپزیک خالی شده بود) به وی پیشنهاد شد، و او برسلاو را برگزید.

بروکلمان پیوسته از این وظیفه آگاهی داشت که نتایج پژوهش در عرصه‌های غیرتخصصی را به شکل عامه‌فهم در دسترس قرار دهد. بدین‌سان، در جلد نخست خود از مجموعه «ادبیات خاور» (۱۹۰۱) روایت کوتاهی از «تاریخ ادبیات عرب» به دست داد که در ۱۹۰۹ به چاپ دوم رسید. «تاریخ ادبیات مسیحی شرق» در جلد هفتم همان دوره به پیشنهاد وی بود. او در آن از ادبیات سریانی و نیز مسیحی - عربی بحث کرده است. همچنین زحمت این کار را هم پذیرفت که مجموعه

کوچک دست‌نویس‌های شرقی موجود در کتابخانه شهرداری برسلاو را در ۱۹۰۳ در «فهرست»ی توصیف‌کند. همین کار را در سال‌های بعد با دست‌نویس‌های شرقی بسیار گران‌بهای کتابخانه شهرداری هامبورگ کرد.

در بهار ۱۹۰۳ بروکلمان به تصدی کرسی استادی در کونیگس‌برگ^۱ که با استعفای گوستاف یان بی‌متصدی شده بود، برگزیده شد. در اینجا، همان اثری را خلق کرد که اصیل‌ترین دستاورد وی شمرده می‌شود و او آن را از همه کتاب‌هایش دوست‌تر می‌داشت: کلیات دستور تطبیقی زبان‌های سامی (ج ۲، ۱۹۰۷ - ۱۹۱۳).

او به‌ویژه نزد هوبشمان با روش‌های تحصیلی در زبان‌شناسی تاریخی که از زمان جدال نودستوریان در مطالعات هند و ژرمنی حاکمیت تقریباً بی‌حدومرز یافته بود، خو گرفته بود این نظریه زبان‌شناسی تاریخی ماهیت زبان را در کنش گفتاری جداگانه می‌دید و پیوندهای موجود میان زبان‌های هم‌خانواده را با این فرض توضیح می‌داد که آواهای زبان اولیه، در محدوده یک گویش معین و یک دوره زبانی معین برحسب قوانین آوایی استثنانپذیر تحول یافته است و استثناهای ظاهری در قوانین آوایی مفروض را باید شکل‌هایی قیاسی پنداشت که بر تداعی روان‌شناختی معانی استوار است. در حوزه مطالعات سامی، این نگرش زبان‌شناسی

^۱ Königsberg. پایتخت تاریخی پروس شرقی، پس از جنگ جهانی دوم ضمیمه اتحاد جماهیر شوروی شد؛ و نام آن به کالینینگراد تغییر یافت؛ امروز بخشی از فدراسیون روسیه است - م.